

دو نیمه‌ی من

آثاری از زنان داستان‌نویس آمریکای لاتین

گردآوری و ترجمه:

فریده شبانفر



انتشارات مروارید

سرشناسه: شبانفر، فریده، گردآورنده، مترجم.
عنوان و نام پدیدآور: دو نیمه‌ی من / آثاری از زنان داستان‌نویس آمریکای لاتین؛ گردآوری و ترجمه فریده شبانفر.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۲۳۴ ص. مصور؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک: 978-964-191-562-1

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۳۲]-۲۳۴.
موضوع: داستان‌های کوتاه آمریکای لاتین
موضوع: Short stories, Latin American
موضوع: داستان‌های کوتاه آمریکای لاتین - قرن ۲۰ م. - مجموعه‌ها
موضوع: Short stories, Latin American - 20th century - Collections
موضوع: داستان‌های آمریکای لاتین - نویسندگان زن
موضوع: Latin American fiction - Women authors
رده‌بندی کنگره: PQ ۷۰۸۵/۲ش ۱۳۹۶
رده‌بندی دیویی: ۸۶۳/۰۱۰۸۹۸
شابک کتابشناسی ملی: ۵۰۱۶۳۰۶



انتشارات مروارید

تهران، خیابان انقلاب، زمین ابورحمان، پانویس وحید نظری، پلاک ۲۹، طبقه دوم
دفتر: ۶۶۴۰۰۸۶۴ - ۶۶۴۱۴۰۴۶ - فاکس: ۶۶۴۸۴۰۲۷ - فروشگاه: ۶۶۴۶۷۸۴۸
<https://instagram.com/morvaridpub> - <http://telegram.me/morvaridpub>
www.morvarid-pub.com

دو نیمه‌ی من

(آثاری از زنان داستان‌نویس آمریکای لاتین)

گردآوری و ترجمه: فریده شبانفر

تولید فنی: الناز ایللی

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۷

چاپخانه: کارنگ

تیراژ: ۵۵۰

شابک: 978-964-191-562-1 ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۵۶۲-۱

۲۸۰۰۰ تومان

فهرست

- پیشگفتار: ۵
- تاریخچه‌ای کوتاه از زنان داستانگوی آمریکای لاتین ۵
- زنان برهنه و سینه‌های زن ۱۰
- مسیر گزینش داستان در یک جنگ داستان‌های کوتاه ۱۱

داستان‌ها:

- پرهیب زن سرخ‌پوست / گریلا یسترال (شیان) ۱۷
- شب‌به‌خیر، آگاتا / یولاندا بد رگال (بولیم) ۲۳
- عشق / کلاریس لیس پکتور (برزیل) ۳۱
- عروسی / لوسیا فاکس (پرو) ۴۵
- شونامیت، باکره‌ای از شونام / اینس آریدوندو (مکزیک) ۵۵
- زندگی خانوادگی / سیلویا لاگو (اوروگوئه) ۷۱
- من عاشق شوهرم هستم / نلیدا پینون (بولیوی) ۹۰
- مرسدس - بنز ۲۲۰ SL / روزاریو فری (پورتوریکو) ۱۰۰
- کاوشی در داستان مرسدس بنز ۲۲۰ SL / اولین فیش برن (انگلیس) ۱۱۴
- چریک‌ها / البالوچیا آنجل (کلمبیا) ۱۲۷
- درخت گویاکان در مارس / برتالیچیا پرالتا (پاناما) ۱۳۳
- قلب سیلست / آیدا پورتنیک (آرژانتین) ۱۴۰
- همسر قاضی / ایزابل آنده (شیلی) ۱۴۶
- دو شعر: زن سیاه و من عاشق اربابم هستم / نانسی موریگون (کوبا) ۱۵۹
- دو نیمه‌ی من / میرتایانز (کوبا) ۱۶۹

- شب بیداری / نیلا چیهادی دوران (جمهوری دومینکن)..... ۱۸۱
- پیشخدمتی در پایتخت / ریگو برتا منچو (گوآتمالا)..... ۱۹۳
- به لیسلیک نگاه کن / یاسیتا اسکودوس (السالوادور)..... ۲۰۵
- چپاول / یولاندا ارویا پیزارو (پورتوریکو)..... ۲۱۳
- بدون نور ساختگی / ماریا دل کارمن پرز (نیکاراگوئه)..... ۲۲۱
- تاریخچه‌ی افسانه‌های کهن بومیان آمریکای لاتین..... ۲۲۱
- کتابنامه..... ۲۳۴

www.ketab.ir

دهان من، دهان شوربختانی است که دهان ندارند
صدای من، صدای آزادی آنانی است
که در زندان نومیدی فرو مانده‌اند
ایمه سزار^۱

پیشگفتار

تاریخچه‌ای کوتاه از زنان داستانگوی آمریکای لاتین

زنان در طول تاریخ جهان بر یک بوده‌اند. آنان در جایگاه راویان افسانه‌ها، جادوگران و فالگویان نشستند. زنان بافندگان داستان‌هایی هستند که در عصر جدید به تدریج به صورت نوشتاری درآمدند. آنچه را که در گذشته از آن محروم بودند بیرون از خانه تجربه کردند و به شکل نشر و نظم به رشته‌ی تحریر درآوردند. اما با وجود همه‌ی تلاش‌ها و خلاقیت‌هایشان در طول چند قرن گذشته، برای پیشبرد ادبیات و هنر زنان و حتی با وجود انقلاب کوبا باز هم هنر در کشورهای آمریکای لاتین تحقیر شده و سالارمندی مردان باقی ماند.

گفته می‌شود «ایزابل دو گوارا»^۲ نخستین زن نویسنده‌ی آمریکای لاتین است. او در ۱۵۵۶ میلادی شیکوه‌نامه‌ای مبنی بر رفتار ناعادلانه‌ی که هنگام ورودش به دنیای نو با آن مواجه شده بود، به ملکه‌ی اسپانیا «دونا خوانا» نوشت. از آن زمان تاکنون زنان نویسنده، شاعر و منتقد آمریکای لاتین همواره با نوشته‌های خود برای دستیابی به عدالت مبارزه کرده‌اند؛

در سده‌ی ۱۶۰۰ زنان نویسنده در انزوا می‌نوشتند. برجسته‌ترین آن‌ها

1. Aime Fernald David Cesaire

2. Isabel de Guevara

راهبه‌ای به نام «خوانا اینس دو لاکروز»^۱ است که زندگی و آثارش بازتاب شرایط تلخ زنان آن دوره می‌باشد. جایی که زنان فقط دو گزینه روبه‌روی خود داشتند: ازدواج یا صومعه. او به صومعه پیوست تا بتواند صدایش را به دیگران برساند. او در مقام نویسنده و پژوهشگر، چندین کتاب از خود باقی گذاشت که او را برجسته‌ترین نویسنده‌ی دوره‌ی خود ساخت و لقب «دهمین الهه‌ی هنر و ادب» را نصیبش کرد. گزارش او درباره‌ی قوانین امدادانه و تحمیلی بر زنان، نامش را در زمره‌ی پیشگامان فمینیسم آمریکای لاتین قرار می‌دهد.

چندین تن از راهبه‌های نویسنده، کتاب‌ها و مقالاتی در دفاع از حقوق زنان نوشته و در کلیساها خواندند و نامشان در تاریخ ادبیات آمریکای لاتین به ثبت رسید. در دهه‌ی ۱۸۰۰، نویسندگان و شاعرانی چون «گرترودیس گومز دو آوی لاند»^۲ که اسپانیایی - کوبایی بود، در نوشته‌های خود زندگی اسفناک سرخ‌پوستان و سران پرستان را به تصویر درآورد و از حقوق آن‌ها دفاع کرد. گومز در کتابش به نام «سب» در مخالفت با بردگی به شباهت میان زندگی بردگان و زنان اشاره کرد. از آن‌ها عنوان قربانیان جامعه نام می‌برد. گرچه او از سوی جامعه‌ی خویش و کلیسا شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت و سانسور شد اما آگاهی و تحسین بسیاری را برانگیخت. امروزه چندین کتاب در تحلیل، تفسیر و نقد آثار او نوشته، ترجمه و به‌تصویر شده‌اند.

«ترزا گونزالس فنینگ»^۳ نویسنده‌ی رمان و داستان‌های کوتاه و مقالات در طرح مسائل زنان بود. فعالیت و نوشته‌های او در زمینه‌ی کار زنان به‌خصوص بیوه‌زنان توجه بسیاری را جلب کرد. او ایجاد کار برای زنان را یک مسئله‌ی اجتماعی - اقتصادی و راه‌حلی برای جلوگیری از فقر و ناآرامی زنان می‌دانست.

«خوانا پائولو مانسو»^۴ نویسنده‌ای است که فعالیتش در زمینه‌ی آموزش و پرورش نیز چشمگیر است. او در داستان «ماشور کرو» تصویری تاریخی از

1. Juana Ines de la Cruz

2. Gertrudis Gomez de Avellaneda

3. Joana Paulo Manso

دورانی که در آن زندگی می‌کرد، سده‌ی ۱۸۰۰، به خواننده ارائه می‌دهد. او با همکاری رئیس‌جمهور متریقی وقت آرژانتین «دومینگو فاستینو»^۱ توانست ساختار سنتی سیستم آموزش کشورش را دگرگون کند.

در اواخر سده‌ی ۱۸۰۰ و پس از دورانی که ادبیات زنان شکلی معترض و ضد پدرسالاری به خود می‌گرفت، بانویی اهل کشور پرو به‌نام «کلوریندا ماتو د ترنر»^۲ با نوشتن کتاب «پرنده‌های بی‌آشیان» درباره‌ی زندگی بومیان سرخ‌پوست، ژانر جدیدی به‌نام «رمان بومی» باب کرد. گرچه از کارهایش استقبال شد و مسیری نو در روایت در برابر نویسندگان گشود اما به‌خاطر موضع آر دی‌خرهی مخالفت با کلیسا، کتاب‌هایش از دسترس مردم خارج و خودش تبعید گردید.

پس از ترنر، یکی از نویسندگان به‌نام «مرسدس کابلود کاربو نار»^۳ که با او در انجمن ادبی روشنفردان فعالیت داشت، رمان «خورشید سفید» را منتشر کرد. او در این رمان مسئله‌ی اسامی را به پرسش گرفت و محکوم شناخت. ادبیات آمریکای لاتین از همان دوران ادبی استعمار همواره بر مسائل اجتماعی و تاریخی متمرکز بوده است. چرا که همه‌ی این کشورها به ابعادی متفاوت از نظر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی تحت ستم و آزار استثمارگران خارجی قرار گرفته‌اند.

جنگ‌های استقلال و سال‌ها ستم و رنج استعمار خارجی عمیق بر پیکر ملت‌های آمریکای لاتین به‌جای گذاشت. مبارزه‌ی این ملت‌ها با آنها با جنگ و کشتار صورت گرفت بلکه ادبیات نیز در آگاهی مردم و بسط آن نقش مهمی بازی کرده است. نویسندگان و شاعرانی چون «گریلا»^۴، «کریستینا رودریگز کابرا»^۵ و «ننسی موریگون»^۶ در قرن بیستم درد استثمار و نژادپرستی را با آثار خود فریاد می‌زنند.

1. Domingo Faustino Sarmiento
3. Clorinda Matto de Turner

2. Mercedes Cabello de Carbonera
4. Cristina Rodriguez Cabral

داستان‌گویی در میان بومیان سرخ‌پوست هنری مقدس شمرده می‌شد. داستان‌ها و اساطیر اقوام مختلف بومی قرن‌ها سینه به سینه منتقل می‌شدند. در دوران تفتیش عقاید در اسپانیا، بومیان مستعمرات اسپانیا در آمریکای جنوبی و مرکزی از خواندن و نوشتن و گفت‌وگوی آثار تخیلی محروم شدند. با این هدف که سرخ‌پوستان تازه به مسیحیت گرویده را از خرافات فرهنگ خود دور نگه دارند! اما آن‌ها طی نسل‌های متوالی قصه‌ها را حفظ کردند که سرانجام به‌شکلی از حقیقت در تاریخ آمریکای مرکزی وارد و مستحیل شد. زمانی رسید که افسانه‌ها در کنار داستان‌های استعماری و اسطوره‌های مذهبی حاکم به ثبت رسیدند. در این میان نویسندگانی برخاستند که پیش‌آمان‌رایان قومی بودند، چون «جوانا مانوئلا گاریتی»^۱ نویسنده‌ی کتاب «زندگی‌های قوم اینکا» و «چاه یوسی» که روایت‌های شفاهی مردمش را جمع‌آوری و به صورت نوشته منتشر کرد.

پس از استقلال و زورگیری بی‌استعمارگران اسپانیا و کشورهای اروپایی، شکل تازه‌ای از چپاول انسان‌ها چون غوره و در لباس امپریالیزم در این سرزمین‌ها ظهور کرد. سال‌ها بعد ایالات متحده، با ایجاد وحشت، استثمار مردم، انتصاب و حمایت دیکتاتورهای حاکم به‌گوش و بهره‌گیری از تمام منابع طبیعی و انسانی کشورهای آنان همراه بود هرگونه اعتراض مردم و هر نوشته بر ضد آن‌ها با زندان و شکنجه و استثمار همراه بود که زمینه‌ای دردناک برای به‌وجود آمدن ادبیات مقاومت در آن نواحی شد.

نویسندگان و شاعران زن که پیکار با طمع ایالات متحده، را به نیلوفه‌ی خود می‌دانند، کم نیستند. آن‌ها نه تنها در نوشته‌های خود بلکه در کمران‌ها، سمینارها و دانشگاه‌های سراسر دنیا، سازمان ملل و سازمان حقوق بشر فعالیت و سخنرانی می‌کنند تا صدای خود را به جهانیان برسانند. نویسندگان داستان‌های برگزیده، تعداد اندکی از نویسندگان فعال و متعهد آمریکای لاتین هستند. «کارمن نارانگو»^۲، «ایزابل آلنده»، «آلبا لوجیا آنجل»، «رزاریو فری»،

«سیلویا لاگو» از آن جمله‌اند.

فقط در قرن بیستم است که به تدریج صدای زنان خواننده و شنیده و به زبان‌های دیگر ترجمه شد. نوشته‌های نویسندگانی از نسل جدید وضعیت سیاسی، اجتماعی و تاریخی کشورشان و دیکتاتورهای حاکم را بیان می‌کنند و نمادهای قدرت و توخالی بودن آن‌ها را در داستان‌هایشان آشکار می‌سازند. «نیلا پیهاد دوران» در داستان «شب بیداری» از تروخیو حاکم مستبد و جنایتکار کامبیا و تنگناهای سنتی در رابطه با زنان و نیز سرخ‌پوستان سخن می‌گوید.

«ریگوبرتا منچو» یکی از بومیان قوم مایا است که در پی کسب حقوق پامال‌شده‌ی سرزمینش در آمریکای مرکزی به مبارزه برخاسته و بر آن‌ها می‌رود، سال‌هاست مبارزه می‌کند. او در سال ۱۹۹۲ به خاطر تلاش خستگی‌ناپذیرش در کسب عدالت به دریافت جایزه‌ی صلح نوبل نائل شد. کتاب‌های «من، ریگوبرتا منچو» و «آندشتن از مرزها» داستان زندگی خود او و مردمش در گوآتمالا هستند؛ شهادت‌نامه‌هایی که از وضعیت اسفناک بومیان می‌گویند و به زبان‌های مختلف ترجمه شده‌اند.

طی چند دهه‌ی گذشته، زنان نویسنده‌ی آمریکای لاتین، تأثیری ژرف بر دگرگونی فرهنگ ادبی کشورهای خود و در سطح جهانی داشته‌اند. همان‌گونه که کمک‌های مالی زنان، نقد آکادمیک و پژوهش‌های فرهنگی زنان را ممکن ساختند. این پیشرفت‌ها، همراه با ترجمه‌ی کارهای نویسندگان فرست‌های مناسبی در احیای آثار آنان در سطح جهانی به‌وجود آورده‌اند. در سال ۱۹۴۵ جایزه‌ی ادبی نوبل به «گبریلا میسترال» از شیلی اهدا شد. او اولین زن نویسنده در آمریکای لاتین است که این جایزه را دریافت کرده است. زنان نویسنده با کوشش مدام خود در نوشتن داستان‌ها و مقاله‌هایی که بی‌عدالتی فرهنگ غالب را به پرسش می‌گیرند، با شجاعت در برابر اساطیر مردانه ایستاده‌اند. «نلیدا پینون» در داستان «من عاشق شوهرم هستم» و «ایزابل آلنده» در داستان «همسر قاضی» و نیز «اینس آریوندو» در داستان بلندش

«باکره‌ای از شونام» و «نانسی مورینگون» در شعر بلندش «زن سیاه» به‌روشنی به این هدف رسیده و تصویری توانا از زن آفریده‌اند.

زنان نویسنده و مسئله‌ی زن

تا چندی پیش، آثار زنان در ادبیات آمریکای لاتین نادیده گرفته می‌شد و با محدودیت و کمبود ترجمه و انتشار روبه‌رو بود. اما آثار مردان توجه همه را برمی‌انگیخت، به زبان‌های دیگر ترجمه و در سطح جهانی معرفی می‌شد. ر مجموعه‌ها اسم زن نبود یا فقط نام یک زن به چشم می‌آمد. آوازه‌ی مردان نویسندگان چون «خورخه لوئیس بورخس»^۱، «وارگاس لوسا»^۲، «گابریل گارسیا مارکز»^۳، «اوماویا پاز»^۴، «پابلو نرودا»^۵ به بسیاری از کشورهای جهان رسید، حال آن که زنان نا‌نیده ماندند.

ولی به تدریج و در اواخر قرن بیستم زنان در عرصه‌ی ادبیات شکوفا می‌شوند. در این دوره دهستان‌هایی چون «چپاول» از «آروینو پیزارو» برمی‌خوریم که در آن نویسنده زن راوی داستان و عواطف مرد است. نویسندگان گاه نقش قهرمان را بازی می‌کنند، همان‌گونه که تاکنون مردان شاهدان زنان بوده‌اند و از زبان آنان نوشته‌اند و خود زن به‌ندرت کلامی از خود بر زبان آورده است. «این کار زنان است که نه تنها این دنیای ناشناخته را، که خود نماینده‌ی آن هستند، کشاکش کنند بلکه حال نوبت آن‌هاست که در حد توانایی خویش در مقام نا‌نیده سخن بگویند. اگر زنان در این راه پیروز شوند، ادبیات جهان به غنایی و ارزندگی خواهد یافت.» از سخنرانی «ویکتوریا اوکامپو» در اتحادیه‌ی زنان آرژانتین ۱۹۶۶

در اواخر قرن بیستم شاهد افزایش زنان در صحنه‌ی داستان‌گویی و حضورشان در جنگ‌های داستانی خاص آثار زنان هستیم. تعداد ترجمه‌ی

1. Jorge Luis Borges

2. Mario Vargas Llosa

3. Gabriel Garcia Marquez

4. Octavio Paz

5. Pablo Neruda

6. Victoria Ocampo

این آثار به انگلیسی و سپس به زبان‌های ملل دیگر بسیار گسترش می‌یابد و جای خود را در کنار ادبیات زنان کشورهای دیگر باز می‌کند. اما هنوز منتقدان مرد فقط گاهی دستی از لطف به سرشان می‌کشند.

این نویسندگان زمینه‌ی نوینی در پیرنگ داستان کوتاه، رمان، و سبک‌های ادبی به‌وجود آوردند و توانستند ادبیات داستانی را به مسیری نو هدایت کنند. آن‌ها با طرز تفکری نو، با فرضیه‌های موجود جامعه راجع به زنان به بارزه برخاستند. «ویکتوریا اوکامپو» از آرژانتین نه تنها «شهادت نامه»ای مبنی بر محدودیت‌هایی که جامعه بر زنان از هر طبقه تحمیل می‌کند، نوشت بلکه هشت جلد مقالات اجتماعی نوشت که آن محدودیت‌ها را نقد می‌کردند. او اولین زنی بود که به ترجمه و نقد آثار زنان نویسنده پرداخت و یک مجله‌ی نشر و بررسی کتاب به‌نام «سور» را بنیان گذاشت که آثار زنان نویسندگان را منتشر می‌کند. وی اولین بانویی بود که به مقام دبیری آکادمی ادبی آرژانتین رسید. زندگی او نشانه‌ی تعهدش در آگاه ساختن زنان است که هنوز به‌خوبی شناخته نشده. به اعتقاد او هر پیشرفت فردی و شخصی هنوز می‌تواند در ورهای جامعه را دگرگون کند.

مسیر گزینش داستان در یک جنگ داستان‌های کهن

گزینش داستان در میان آثار زنان نویسنده‌ی آمریکای لاتین با وجود پرکاری و فراوانی آثار آن‌ها، از آن‌جا که تعداد محدودی به انگلیسی ترجمه شده‌اند، کار دشواری است. برای دست یافتن به دیدگاهی جامع به رفعت زن در این جوامع ناهمگون، نباید تنوع حیرت‌انگیز نژادها، مذاهب، زمینه‌ی سیاسی، تاریخی و اجتماعی، موقعیت جغرافیایی، فرهنگ‌ها، آیین‌ها و سنت‌های مردم آمریکای لاتین را نادیده گرفت.

مردم این قاره متشکل هستند از بازماندگان اقوام مایا، لزتک، اینکا... و دیگر سرخ‌پوستان بومی این سرزمین‌ها، سیاه‌پوستانی که به بردگی در سواحل جنوب کارائیب پیاده شدند، اقوام اسپانیایی مهاجم و موج مهاجرانی

که از اروپا و دیگر نقاط دنیا به این قاره برگشتند. کشمکش این اقوام و فرهنگ‌ها با یکدیگر، سالیان دراز استعمار و بردگی و اینک مداخله در سیاست این کشورها و استثمار اقتصادی و سیاسی آن‌ها توسط ایالات متحده از عواملی هستند که در ادبیات آن‌ها سخت نفوذ کرده و شاید هم شالوده‌ی داستان‌هایشان را ریخته‌اند. حال باید دید که جایگاه زن و ارزش زن در میان این‌همه تنوع کجاست.

تاکنون جنگ‌های بسیاری از آثار زنان این قاره به انگلیسی ترجمه شده و هر یک با هدفی متفاوت به‌وجود آمده‌اند. برخی به دنبال ژانر خاصی بوده‌اند و چندی به سلسله‌مراتب تاریخی هر قصه رفته‌اند یا داستان‌هایی را مناسب یک سن به‌خصوص انتخاب کرده‌اند. به‌هرروی به‌وجود آوردن یک مجموعه با یک *گاتالوژی* یک موج و جنبش هماهنگ ادبی نبوده و از داستان به‌عنوان یک *آلتر* و مدل استفاده نشده است. بلکه هدف نهایی به‌وجود آوردن جنگی است که ذهن خواننده را به یک شناخت اساسی از امریکای لاتین و مردم آن رهبر سود تا ببرد در برابر اثر غیرانسانی رسانه‌های جهانی استوار بایستد. انتخاب هر داستان نیز بر پایه‌ی چنین هدفی استوار خواهد شد.

هر داستان به‌گونه‌ای از دیدگاه و هدف خود در مقدمه سخن گفته ولی در نهایت همه یک چیز را بیان می‌کنند.

هدف آن است که مرزهای سنتی که نوشته‌ی زنان را در یک چهارچوب مکانی و زمانی و جنسیتی محدود کرده کنار بزنیم و مرزهای فرهنگی و زبانی را که مراوده‌ی انسان‌ها را مانع می‌شوند، بگشاییم. هدف آن است که خواننده را با تجربه‌ی ادبی تازه‌ای آشنا کنیم و به دانشجویان و منتقدان، ادبیاتی پیچیده ارائه دهیم تا هوش و ذهن آن‌ها را برانگیزد. امیدواریم این کتاب در زمینه‌ی مطالعات آمریکای لاتین، علوم اجتماعی، مطالعات زنان و ادبیات تطبیقی نیز مفید واقع شود.

انتخاب داستان در میان آثار زنان نویسنده با توجه به محدودیت

کتاب‌های موجود به زبان انگلیسی کار را دشوار می‌کرد. ترجمه‌ی فقط یک مجموعه گرچه بسیار ساده بود ولی نمی‌توانست جوابگوی انتظارات من و چیزی که به‌طور مبهم در ذهنم جریان داشت باشد. تا شناخت انگیزه‌ی اصلی ترجیح دادم چندین کتاب موجود را بخوانم. داستان‌ها هر یک کاملاً اختصاصی، موضوع‌ها و ساختار روایت‌ها بسیار متنوع و گسترده و بعضی قصه‌ها شامل نمادها و استعاره‌های زبانی بودند.

خود ذهن در این جستجو و در هر کتاب یک یا دو داستان را با شوق و تمرکز بیشتر پی می‌گرفت. در نتیجه به دنبال معیارهایی در آن داستان‌ها گشتم که جوابگوی نیاز من بودند: تکیه‌ی پیرنگ داستان بر زن و انتخاب یک زن در جایگاه شخصیت اصلی و راوی، و تلاش نویسنده در مطرح کردن مسائل زنان از دیدگاهی عاطفی. البته در این میان داستانی که از خلاقیت بیشتری برخوردار بود و درگیری بویای زن را در جامعه تصویر می‌کرد ارجحیت بیشتری داشت. استفاده از چند راوی، و استعاره و نمادهایی که با پیچیدگی خود ذهن خواننده را تسلسل کنند، عناصر گزینش داستان بودند. در ضمن این که کوشش اساسی، توجه به کیفیت داستانی اثر بود، زمینه‌های مهم دیگری را باید در نظر می‌گرفت. نخست نیت انتخاب یک اثر از هر کشور بود تا خواننده وسعت دید بصری در اختیار داشته باشد. اما در ترجمه با داستان‌هایی از یک کشور برخورد می‌کردم که گرفتن ارزش آن‌ها حیف بود. بنابراین از چند کشور با دو داستان برخورد کردم. داشت. برای جلوگیری از پراکندگی زمان نوشتن هر اثر، داستان‌ها بر اساس زمان نوشتاری آن‌ها در یک محدوده‌ی تاریخی ۶۰ سال گذشته ترتیب داده شدند. اکثر داستان‌ها به‌گونه‌ای خاص رویدادهای یک دوره‌ی تاریخی و اجتماعی و در ضمن تحول ادبی آن دوره را در مقایسه با گذشته نشان می‌دهند. در این میان هر داستان خود انگیزه‌ای می‌شد برای پژوهشی بیشتر در شناخت نویسندگان آن و چرایی داستان. این جستجو به افزودن متن زندگینامه‌ی نویسنده منجر شد. در مورد چرایی داستان نیز، تحلیل و بررسی اوضاع

اجتماعی و تاریخی آن دوره درک آن را عمیق‌تر و ملموس‌تر می‌کرد. البته یافتن تحلیل‌ها و نقدهایی که شاید در مورد هر داستان نوشته شده بود، به زمانی طولانی^۱ احتیاج داشت و در برخی از موارد نقدی وجود نداشت. با این حال تا حد امکان این تحلیل‌ها از چند خط تا چند پاراگراف صورت گرفت و امیدوارم در آینده و شاید در چاپی دیگر نقد و بررسی کاملی به هر متن اضافه کنم.

گزینش نمونه‌ای از آثار نویسندگان اقلیت مهاجر، اقوام بومی سرخ‌پوست و سیاه‌پوستان به تصور من اهمیت والایی دارد، چون از یک سو فرهنگ، وضع اجتماع،^۲ مصائب و اختلاف نژادی این بخش از جمعیت را روشن می‌کند و از سویی دیگر، خواننده را با فرهنگی غنی از اساطیر و داستان‌های جادویی و جایگزین در این فرهنگ‌ها آشنا می‌سازد.

به هر روز، راهی،^۳ گزینه‌ها، گوشه‌ای پنهان از عناصر بازدارنده‌ی زندگی زنان را آشکار می‌کند و با دگرگونی و بازسازی اسطوره‌ی سنتی مردسالاری، سهمی^۴ در بنیان گذاردن هویت راستین زنان به عهده می‌گیرند.

فریده شبانفر
زمستان ۱۳۹۵